

الگوی مفهومی تربیت عاطفی با رویکردی بر نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۰

از صفحه ۵۱ تا صفحه ۷۰

چکیده

به سبب آنکه عواطف و احساسات، تأثیر فراوانی در بروز رفتارها دارند، تربیت عاطفی اهمیت بسیاری دارد؛ اما مسئله‌ی پژوهش این است که امروزه، جای اندیشه‌های اسلام و به‌طور خاص، نهج‌البلاغه برای تربیت عاطفی در کنار آموزه‌های سایر مکاتب تربیتی، خالی است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، اصول و روش‌های تربیت عاطفی با تأکید بر دیدگاه امام علی علیه‌السلام بررسی شده است. ابزار پژوهش، فیش بوده و داده‌ها، به‌صورت کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند. هدف پژوهش، ارائه‌ی اصول و روش‌های کاربردی به متولیان امر تعلیم و تربیت است تا بتوانند با الهام گرفتن از اندیشه‌های حضرت علی^(ع) در کتاب گران‌قدر نهج‌البلاغه، در امر تربیت دانش‌آموزان اهتمام ورزند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: ۱. برخی از اصول تربیت عاطفی عبارت‌اند از ابراز محبت، بردباری، خوش‌بینی؛ ۲. برخی از روش‌های تربیت عاطفی عبارت‌اند از: اعتدال در محبت، کنترل خشم، صله‌ی رحم و برخورد با گشاده‌رویی. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در نهج‌البلاغه، از تربیت عاطفی افراد غفلت نشده و دستورالعمل‌هایی برای رشد متربیان، در این ساحت تربیتی معرفی شده است.

محسن فرمهینی فراهانی

دانشیار گروه علوم تربیتی،

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد

farmahinifar@yahoo.com

سلمان رضوان خواه

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت،

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،

دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

s.kh.yass@gmail.com

کلیدواژه:

اصول تربیت، امام علی^(ع)،

تربیت عاطفی، روش‌های تربیت،

نهج‌البلاغه

مقدمه :

همان‌طور که می‌دانیم شخصیت آدمی، جنبه‌هایی دارد و معمولاً روان‌شناسان چهار جنبه‌ی اساسی برای شخصیت آدمی مطرح می‌سازند: ۱. جنبه‌ی عقلانی ۲. جنبه‌ی عاطفی ۳. جنبه‌ی اجتماعی ۴. جنبه‌ی بدنی. حالات ترس، خشم، نفرت، شادی، اندوه و مانند این‌ها، جزء جنبه‌ی عاطفی شخصیت انسان قرار می‌گیرند. این جنبه، بسیار پیچیده است؛ زیرا: ۱. هم زمینه‌ی فیزیولوژیکی دارد و هم با زمینه‌ی عقلانی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. ۲. تاریخ حیات انسان، نمایش‌گر این حقیقت است که آدمی، بیشتر تحت تأثیر عواطف قرار دارد تا زیر نفوذ عقل (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است و به این سبب، تربیت عاطفی به‌عنوان مسئله‌ای مطرح است که نقطه‌ی عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه‌ی عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۳۰۲). با این حال، می‌توان گفت رشد و تکامل عاطفی یا هیجانی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع محیط تأثیر فراوان دارد و حتی یادگیری فراگیر نیز از حالات عاطفی تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر اینکه ارتباط میان فراگیر با محتوای آموزشی، مربی و محیط نیز تابع پرورش عاطفی است، آنچه در قالب کمبود روحی و اخلاقی به شکل ناسازگاری با جامعه و ناآرامی و اضطراب، تحمل نکردن موفقیت دیگران و ایجاد موانع روحی و مادی بر سر راه آنان و یا افسردگی در جامعه دیده می‌شود، از نتایج ناآگاهی از این بعد است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

بر اساس آنچه گذشت، ملاحظه کردیم که موضوع تربیت عاطفی امری اساسی است و اهمیت بسیاری دارد، آن‌چنان‌که پرداختن به آن در تعلیم و تربیت، امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر چه روان‌شناسان به نوبه‌ی خود و از منظر خویش به این مبحث نگرسته‌اند، در این پژوهش قصد داریم موضوع را از دیدگاه کتاب گران قدر نهج‌البلاغه بررسی و واکاوی کنیم، آن‌چنان‌که بتواند مورد استفاده‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد و منویات این کتاب گهربار و فرمایشات حضرت امیر^(ع)، چراغی فرا روی مربیان تعلیم و تربیت باشد. امید آنکه این تلاش بتواند سهمی در اسلامی کردن علوم انسانی که مطمح نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی است، نیز داشته باشد.

نظر به اهمیت موضوع، در ادامه به بررسی برخی از پژوهش‌هایی می‌پردازیم که درباره‌ی تربیت عاطفی انجام شده است.

فقیهی و نجفی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث»، به بررسی تعدادی از عوامل عاطفی تربیت فرزندان در خانواده می‌پردازد. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و متون حدیثی موجود مرتبط با پژوهش را بررسی کرده است. نتایج پژوهش ایشان بیانگر آن است که عواملی چون هم‌سوایی بینش‌ها و باورهای مذهبی، اندیشه‌ی از خود دانستن وجود فرزند، انسان دوستی، محبت، خوش‌رویی، تکریم و احترام متقابل، حسن و ظن، عفو و بخشش، از جمله عوامل تربیتی فرزندان در نهاد خانواده‌اند که در آموزه‌های معصومین، بر آن‌ها تأکید شده است (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲، ص ۵).

هاشمی‌نسب و علوی (۱۳۹۳)، مطالعه‌ای با عنوان «ویژگی انسان‌های تربیت‌یافته (فرهیخته) در بعد

عاطفی از نظر قرآن کریم» را به روش کتابخانه‌ای و از طریق مراجعه به قرآن و کتب معتبر، با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام داده است. ایشان این مطالعه را با هدف شناسایی و شرح ویژگی‌های انسان تربیت یافته در بعد عاطفی، از منظر قرآن کریم انجام داده‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که در بینش قرآنی، انسان توانمندی‌های مختلفی دارد که با پروراندن این بعد، می‌تواند به خصایلی چون مهربانی، آرامش، دوست‌داری و عفو و گذشت آراسته شود و با رشد و تعالی فطرت الهی خویش، مسیر درست زندگی را شناسایی کند تا دچار انحراف و واماندگی نشود و به هدف آفرینش دست یابد (هاشمی‌نسب و علوی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱).

نجفی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سازمان‌دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی» به بررسی این ساحت تربیتی از منظر قرآن کریم پرداخته‌اند. هدف این پژوهش که با رویکرد کیفی و روش پژوهش استنتاجی انجام شده است، بررسی میان‌رشته‌ای تربیت عاطفی و ساختار آن در قرآن است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عواطف در قرآن با پشتوانه‌ی معرفتی از احساس جدا می‌شود. تربیت عاطفی با مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، وارد فرآیند تربیتی می‌شود و هم‌سو با هدف نهایی نظام تربیتی، پرورش عواطف و مدیریت آن را بر اساس ارزش‌ها بر عهده دارد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۹).

حسین‌زاده و قاسمی‌گورتی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «تبیین مهم‌ترین روش‌های تربیتی آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه^(ع)»، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دینی و یافته‌های علوم معاصر و با هدف تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت انجام داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین روش آسیب‌زا، تبعیض میان کودکان و تحقیر کودک در برابر دیگران است که با روش‌هایی چون استهزاء و تمسخر، ملامت و سرزنش، تهمت، دشنام و القاب زشت بروز می‌یابد و راهکارهایی چون تکریم شخصیت کودک در هر شرایط، توجه به احساسات او و دوری از تبعیض، می‌تواند راهی برای مقابله با این روش‌ها باشد (حسین‌زاده و قاسمی‌گورتی، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

با مطالعه‌ی پژوهش‌های بالا ملاحظه می‌شود که اگر چه مطالعاتی که درباره‌ی تربیت عاطفی و در حوزه‌ی معارف اسلامی انجام شده است، حول محور قرآن کریم و روایات بوده است؛ اما از یک‌سو، این مطالعات به‌طور ویژه به دیدگاه‌های امام علی^(ع) و کتاب شریف نهج‌البلاغه نپرداخته‌اند و از سوی دیگر، استنتاج اصول و روش‌های تربیتی و به‌تبع آن، ارائه‌ی الگوی مفهومی در این پژوهش‌ها یافت نمی‌شود؛ اما بر اساس اهمیت و ضرورت موضوع و نیز اهمیت دیدگاه‌های امیرالمؤمنین^(ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه، در این پژوهش قصد بر این است که به استنتاج اصول و روش‌های تربیت عاطفی از دیدگاه امیرالمؤمنین^(ع) و بر اساس آن یک الگوی مفهومی برای تربیت عاطفی تدوین شود. بر این اساس، سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

اصول تربیتی عاطفی از دیدگاه امام علی^(ع) بر اساس نهج‌البلاغه کدام‌اند؟

روش‌های تربیتی عاطفی از دیدگاه امام علی^(ع) بر اساس نهج‌البلاغه کدام‌اند؟

الگوی مفهومی تربیت عاطفی از دیدگاه امام علی^(ع) بر اساس نهج‌البلاغه چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و از نوع تحلیل محتوای کیفی و استنباط قیاس نظری و توسعه‌ی مفهومی است. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). فیلیپ استون معتقد است تحلیل محتوا، روشی است که به گونه‌ای عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصات ویژه را از یک پیام کشف می‌کند (استون^۱، ۱۹۹۶، ص ۵). بر اساس این شیوه، ابتدا تمام متن نهج‌البلاغه شامل نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌ها، در ارتباط با موضوع پژوهش، بررسی و مطالب مرتبط در فیش‌های جداگانه، ثبت و نهایتاً طبقه‌بندی شد. سپس مطابق با دو مفهوم اصول و روش، تربیت عاطفی، خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌هایی که معطوف به اصول و روش‌ها می‌شدند، با استفاده از روش استنباط قیاس نظری و توسعه مفهوم (شورت^۲، ۱۳۹۲، ص ۱۴) تحلیل گردید. گزاره‌های توصیفی از نوع «باید»‌های کلی، به‌عنوان اصول تربیت عاطفی و گزاره‌های توصیفی از نوع «باید»‌های جزئی، به‌عنوان روش‌های تربیت عاطفی، طبقه‌بندی شدند که بر این اساس، نهایتاً هفت اصل و شانزده روش تربیتی استخراج شده است. پس از تحلیل قیاس نظری و استخراج و تبیین اصول و روش‌ها، مفاهیم، توسعه یافته و با روش توسعه مفهومی ابتدا چارچوب مدل در ذهن، تجسم و در پایان نیز مدل مفهومی الگوی تربیت عاطفی ارائه شد. این روش از مدل فرانکنا^۳ و شکل اصلاح شده‌ی آنکه از سوی خسرو باقری طراحی شده، برگرفته شده است. درباره‌ی ابزار پژوهش نیز باید گفت که به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده؛ ولی در این ارتباط از برگه‌های فیش‌برداری به‌منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط، استفاده شده است.

یافته‌ها

از جمله نکاتی که درباره‌ی پژوهش‌هایی که به بررسی اصول و روش‌ها می‌پردازند، باید به آن اشاره داشت این است که در بررسی اصول و روش‌ها، ممکن است هنگام استنتاج مفاهیم، به اصول و یا روش‌هایی برسیم که نتوانیم ضرورتاً ارتباطی میان یک اصل و یا یک روش بیابیم؛ بنابراین، طبیعی است که در این میان، برخی از اصول و روش‌ها را نادیده بگیریم؛ به عبارتی می‌توان این موضوع را یکی از محدودیت‌های پژوهش دانست. با این وجود، در این پژوهش سعی شده است تا حد امکان، اصول و روش‌های مرتبط را بیابیم و در ارتباط با یکدیگر تنظیم کنیم.

۱. تربیت عاطفی

در نهاد انسان، عواطف فراوانی نهاده شده است که نقش آن‌ها در زندگی انسان غیرقابل تردید است.

1- stone

2- Schort

3- Frankena

زندگی انسان در تمام مراحل رشد، حتی در مرحله‌ی شیرخوارگی، تحت تأثیر عواطف اوست و رفتار فردی و اجتماعی او به طریقی متأثر از آن است. حتی سلامت روانی و عقلانی انسان وابسته به سلامت عاطفی اوست. از این‌رو، رفتار کسی که عواطفش به‌صورت متعادل پرورش یافته است، با رفتار فردی که فقر عاطفی دارد، یکسان نیست. اهمیت نقش عواطف در زندگی انسان موجب شده است که از دیرباز، تربیت این بعد از وجود انسان مورد توجه مصلحان، عالمان، نویسندگان، هنرمندان و غیره قرار گیرد (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵). تربیت عاطفی، راهی برای شناختن توان عاطفه در اجتماع برای تعدیل، مدیریت و تصمیم‌گیری منطقی در کشمکش‌ها است و همچنین ایجاد امنیت در پرتوی عطف‌ت را پوشش می‌دهد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۷). تربیت عاطفی زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که جنبه‌هایی از شخصیت انسان، یعنی خلق‌و‌خو و احساسات و عواطف و هیجانات او به‌طور معقول و هماهنگ با دیگر جنبه‌های شخصیت، آشکار و شکوفا شود و راه را برای کسب عواطف عالی‌ه انسانی بگشاید.

۲. مبانی تربیت عاطفی در نهج‌البلاغه

استخراج روش‌ها بر اساس اصول، یکی از نکات مهمی است که در رابطه با بررسی اصول و روش‌های تربیت عاطفی باید به آن پردازیم. این اصول نیز باید برگرفته از مبانی باشند؛ اما از آن‌جا که مسئله‌ی ما در این پژوهش، مبانی تربیت عاطفی نیست؛ بنابراین، تنها به بررسی اصول و روش‌ها می‌پردازیم. با وجود این، این موضوع که اصول باید مبتنی بر مبانی طراحی شود، ضروری است؛ بنابراین، در این پژوهش سعی شده است با مطالعه‌ی پیشینه و پژوهش‌های گذشته، مبانی را یافته و نگاه و دیدگاه نهج‌البلاغه را درباره‌ی این مبانی بررسی کنیم. برای تربیت عاطفی، می‌توان از دو مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی صحبت کرد.

درباره‌ی مبانی انسان‌شناسی باید گفت که در نگاه اسلامی، مسیر تکامل از پرورش نفس و ابعاد نفس می‌گذرد. عواطف یکی از این ابعاد است که تربیت فراگیر نیز از آن تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین، تکامل عاطفی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع و محیط تأثیر فراوان دارد. همراهی عاطفه با عقل و جدا شدن آن از احساس از جمله نکات مهمی است که تربیت اسلامی بر آن تأکید دارد. در نگاه اسلام، عواطف ارزش مطلق ندارند، بلکه ارزش عواطف به تأثیرگذاری مثبت آن‌ها در فرآیند تقویت و زندگی است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۷).

حضرت علی^(ع) درباره‌ی تأثیر عاطفه در رفتار انسان‌ها و لزوم تربیت آن می‌فرماید: «به رگ‌های درونی انسان، پاره گوشتی آویخته که شگرف‌ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهای متفاوت با آن در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند و اگر طمع بر آن هجوم آورد، حرص آن را تباہ سازد... و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت‌زدگی شود و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی‌صبری رسوایش کند... پس هر گونه کندروی برای آن، زیان‌بار و هر گونه تندروی برای آن، فساد آفرین است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۸، ص ۶۴۹).

درباره‌ی مبانی معرفت‌شناسی تربیت عاطفی باید بگوییم که عاطفه در کسب شناخت، اهمیت بسیاری دارد. در فرآیند عمومی، باور این است که شناخت، با دلایل و استدلالات عقلی، توجیه و تبیین

می‌شود و در واقع، معرفتی صادق است که از نتایج و مقدمات عقلی تشکیل شده باشد؛ اما از دیدگاه اسلام، شناخت تنها از مسیر عقل نمی‌گذرد؛ زیرا در این صورت، از بعد عاطفی انسان غفلت شده است، در حالی که عاطفه، بخش بسیار مهمی از توان انسان است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۷).
حضرت امیر^(ع) در تبیین رابطه‌ی عقل و عاطفه و به عبارتی تأثیر حکمت و دانش بر دل، می‌فرمایند: حکمت و دانش، حیات دل مرده است (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۳، ص ۲۵۳)؛ بنابراین، دیده می‌شود که امام علی^(ع) به پیوند علم و عاطفه اعتقاد دارند و بر این پیوند تأکید می‌کنند.

۳. اصول و روش‌های تربیت عاطفی در نهج البلاغه

با توجه به اینکه اصول و روش‌ها در ارتباط با یکدیگر هستند، بررسی اصول و روش‌ها به صورت توأمان انجام می‌شود. منظور از اصول، گزاره‌های تجویزی هستند که در امر تربیت، راهنمای عمل در نظر گرفته می‌شوند. روش‌های تربیتی نیز گزاره‌های تجویزی هستند که از اصول استخراج شده و شمول کمتری نسبت به اصول دارند و به عبارت دیگر، ناظر به رفتارهای جزئی‌تر هستند.

۳-۱. اصل اول: ابراز محبت

طبق این اصل، در جریان تربیت عاطفی، برای برانگیختن انسان‌ها بر انجام پاره‌ای از اعمال، باید از قدرت ناشی از پیوند محبت‌آمیز بهره جست (باقری، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹). میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از تمایلات فطری انسان است که در هر دوره‌ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره‌ی رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۲).

خداوند در تربیت انسان، محبت را به‌عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد. امام علی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی را برقرار کن؛ اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۱۹).

از نظر تربیتی، نیروی محبت نیروی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد. در سیره‌ی امام علی^(ع)، رفتار همراه با احترام و محبت نسبت به مردم، از خصوصیات یک مربی است که امام علی^(ع) بر آن تأکید دارند. در همین رابطه، ایشان به مالک اشتر می‌فرمایند: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۷).
بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان به تأثیر بی‌بدیل محبت‌ورزی در تربیت متربیان پی برد. اگر مربی بتواند ارتباطی همراه با محبت با مربی خود برقرار کند، این محبت می‌تواند باعث ارتباط عاطفی میان دو طرف شود و سبب گردد که مربی، رفتارهایش را به گونه‌ای تنظیم کند که باعث خشنودی مربی‌اش شود؛ نه باعث آزدگی مربی محبوب او. اگرچه این محبت‌ورزی چون نیروی پیشران، برای هر فردی در هر سنی، کارایی دارد؛ اما در ابراز آن، باید اعتدال را رعایت کرد که توضیح این مطلب در ادامه می‌آید.

۳-۱-۱. روش اول: اعتدال در محبت

امام علی^(ع)، اولین امام و پیشوای شیعیان جهان، درباره‌ی اعتدال در دوستی‌ها و دشمنی‌ها می‌فرماید: «در دوستی، با دوست مدارا کن، شاید روزی، دشمن تو شود و در دشمنی، با دشمن نیز مدارا کن، شاید روزی، دوست تو گردد» (همان، حکمت ۲۶۸، ص ۶۹۵). همچنین، ایشان در قسمتی از خطبه‌ی ۱۲۷ که پیش از جنگ نهروان ایراد فرمودند، درباره‌ی پرهیز از افراط و تفریط در محبت به خودشان می‌فرمایند: «به‌زودی، دو گروه نسبت به من هلاک می‌شوند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود^۱ و دشمنی که در کینه‌توزی با من، زیاده‌روی کند و به راه باطل درآید. بهترین مردم نسبت به من، گروه میانه‌رو هستند. از آنان جدا نشوید» (همان، خطبه ۱۲۷، ص ۲۴۱).

پس محبت یکی از موارد مهم در باب عواطف است که ممکن است به آسانی، جنبه‌ی افراطی به خود بگیرد؛ بنابراین، در همه‌ی احوال، باید مراقب بود تا از هر گونه افراط و تفریط در محبت و علاقه، جلوگیری کرد و آن را در محور اعتدال، ثابت نگاه داشت.

۲-۱-۳. روش دوم: صله رحم

صله‌ی رَحِم و رفت و آمد و نیکی به اقوام و خویشان و برادران دینی خود، یکی دیگر از روش‌هایی است که در ابراز محبت به دیگران استفاده می‌شود. امام علی^(ع) درباره‌ی صله‌ی رحم و رفت و آمد با نزدیکان و برادران دینی خویش، سخنان فراوانی داشته‌اند. ایشان در یکی از خطبه‌های خود در این باره می‌فرمایند: با این خانه‌ی وسیع در دنیا چه می‌کنی، در حالی‌که در آخرت به آن نیازمندتری؟ آری! اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی؛ در این خانه‌ی وسیع مهمانان را پذیرایی کنی؛ به خویشاوندان، با نیکوکاری پیبندی و حقوقی که بر گردن توست، به صاحبان حق برسانی؛ پس آنگاه، تو با همین خانه‌ی وسیع نیز می‌توانی به آخرت برسی (همان، خطبه ۲۰۹، ص ۴۳۱).

همچنین ایشان در موارد دیگری، صله‌ی رحم را موجب فراوانی خویشاوندان و فراوانی مال و طول عمر می‌داند و می‌فرماید: «خداوند، صله‌ی رَحِم را برای فراوانی خویشاوندان واجب کرد» (همان، حکمت ۲۵۲، ص ۶۸۳). «صله‌ی رَحِم، مایه‌ی فزونی مال و طول عمر است» (همان، خطبه ۱۱۰، ص ۲۱۱).

بدیهی است صله‌ی رحم، به عنوان یکی از روش‌های اصل ابراز محبت، قادر است با ایجاد پیوندهای عاطفی میان نزدیکان، از یک‌سو سبب سلامت عاطفی اعضا شود و از سوی دیگر، این پیوندهای محبت‌آمیز را به فرزندان و اعضای کوچک‌تر خانواده آموزش دهد.

۳-۱-۳. روش سوم: پاداش متناسب با عمل

هنگام محبت به دیگران، باید به روش پاداش و تنبیه متناسب با عمل توجه داشت. بازتاب اعمال افراد، باید متناسب با عملی باشد که انجام داده‌اند. اگر عمل، نیک است؛ باید پاداش درخور و متناسب با آن داده شود و اگر عمل، بد است؛ باید عقوبت متناسب با آن، متوجه عمل‌کننده شود. در غیر این صورت، نیکوکار به عمل نیک، ترغیب نمی‌شود و بدکار در کردار بد خویش تشویق می‌گردد. امام علی^(ع) در این باره

۱- مانند فرقه‌ی سبائیه که امیرالمؤمنین^(ع) را، خدا پنداشتند و آن حضرت آنان را مجازات کرد.

به مالک اشتر می‌فرمایند: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری، بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری، تشویق می‌شوند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۵).

تشویق و تنبیه، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد. تشویق، به تنهایی، برای رسیدن به تکامل اخلاقی فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا در این صورت، فرد مطمئن است که انجام دادن اشتباه برای او خطری ندارد. از طرفی تنبیه تنها نیز برای تربیت عاطفی افراد مؤثر نیست؛ زیرا ممکن است روحیه یأس و ناامیدی را به وجود آورد؛ بنابراین، مربیان باید بسته به وضعیت سنی فراگیران و رعایت نکات مربوط به روش تشویق از جمله تناسب عمل و پاداش، تشویق فعل فراگیر، داشتن اعتدال در کاربرد این روش و دیگر موارد به این امر مبادرت کنند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۳).

نکته‌ی مهمی که توجه به آن در این روش اهمیت دارد، این است که باید مواظب باشیم در هنگام استفاده از این روش، متری تحقیر نشود؛ زیرا تحقیر و اهانت، آسیب‌های فراوانی بر روح و روان متربیان می‌گذارد، مخصوصاً اگر این عمل در مقابل دیگران صورت گیرد. حضرت امیر در این باره می‌فرمایند: هر که به مردم اهانت کند، خود، کم و نابود شود (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ص ۶۲۴). برخی از نمونه‌های تحقیر عبارت‌اند از: استهزاء و تمسخر، ملامت و سرزنش، تهمت، دشنام و دادن القاب زشت.

۲-۲-۳. اصل دوم: اصلاح شرایط

این اصل، بیانگر آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید شرایط محیطی او را تغییر داد. تغییر روابط آدمی با شرایط زمانی و مکانی و به‌ویژه شرایط اجتماعی، مبدأ تغییر بسیاری از حالات و رفتارهای اوست. در اینجا به ذکر یک نمونه از موارد این اصل، در سخنان امام علی^(ع) می‌پردازیم. ایشان می‌فرمایند: «ای معاویه! آماده‌ی حوادثی باش که به سراغ تو می‌آید. به گمراهان فرومایه، گوش مسپار! اگر چنین نکنی، به تو اعلام می‌دارم که در غفلت زندگی قرار گرفته‌ای. همانا تو ناز پرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند و با تو، به آرزوهایش می‌رسد و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد. به خدا پناه می‌برم از گرفتار شدن به دشمنی‌های ریشه‌دار! تو را می‌ترسانم از اینکه به دنبال آرزوها تلاش کنی و آشکار و نهانت، یکسان نباشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰، ص ۴۹۱)؛ بنابراین، از این کلام حضرت امیر^(ع)، به‌خوبی می‌توان به اهمیت شرایط در بروز رفتارهای عاطفی و غیر آن پی برد. به همین سبب، به مربیان توصیه می‌شود که با ایجاد شرایط مکانی و زمانی همراه با محبت و مهربانی، متربیان را به انجام رفتارهای مهربانانه تشویق کنند. اصلاح شرایط روش‌هایی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۳-۲-۱. روش اول: پرهیز از مصاحبت با بدان و توصیه به هم‌نشینی با نیکان

یک روش تربیتی که در اصل اصلاح شرایط باید بدان توجه داشت، روش توجه به هم‌نشینان است. دوستان و مصاحبان انسان، از اثرگذارترین عوامل بیرونی بر او و حالات و رفتار وی هستند. با توجه به این مطلب، انسان باید از هم‌نشینی و مصاحبت با دوستان و افرادی دوری کند که به‌نوعی دشمنان دوست‌نما

و در پی انحراف او هستند. به همین خاطر، امام علی^(ع) مردم را از هم‌نشینی با بدان بر حذر می‌دارد و در این باره به حارث همدانی می‌فرماید: «از دوستی با بی‌خردان و خلاف‌کاران بپرهیز؛ زیرا هر کس را به دوستش می‌شناسند» (همان، نامه ۶۹، ص ۶۱۱).

با توجه به اینکه دوستان و هم‌نشینان می‌توانند بر انسان اثرگذار باشند، در این روش، برای اینکه بتوان شرایط را به نحو مطلوب اصلاح کرد، هم‌نشینی و مصاحبت با افراد نیک و پرهیزگار توصیه شده است؛ زیرا هم‌نشینی با نیکان یکی از عواملی است که به خلق محیط مناسبی می‌انجامد که در آن مجال تعالی باشد. امام علی^(ع) به این امر توجه دارند و در نامه به مالک اشتر، او را به هم‌نشینی با نیکان توصیه می‌کنند و می‌فرماید: «تا می‌توانی با راست‌گویان و پرهیزکاران بییوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۵).

۳-۳. اصل سوم: حلم و بردباری

اگر رفتار، گفتار و افکار انسان از خشم و عصبانیت متأثر می‌شود، باید در حد ممکن، جلوی این تأثیر را گرفت. اصل تربیتی قابل طرح در این زمینه، حلم و بردباری است.

امام علی^(ع) درباره‌ی حلم و بردباری می‌فرماید: «شش چیز است که خرد مردم به آن‌ها آزمایش می‌شود: بردباری در خشم، میانه‌روی در وقت، رغبت و شکیبایی در ترس از خدا، تقوی در هر حال، خوش رفتاری و کم‌ستیزی» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۴۵۲)؛ و موارد بسیار دیگری که همه، نشانگر اهمیت و ارزش حلم و بردباری از دیدگاه امام علی^(ع) هستند.

باید شخص را متوجه این مسئله کرد که اگر در حالت خشم و عصبانیت، بتواند حلم و بردباری نشان دهد، آثار و نتایج ارزشمندی در بخش‌های رفتاری، روحی، گفتاری، اخلاقی و اجتماعی نصیب او خواهد شد. در این زمینه، حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «...هیچ عزتی همانند حلم و بردباری نیست...» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱۳، ص ۶۵۱).

بر اساس آنچه در این اصل گفته شد، باید به خود و متریان بیاموزیم که اگر تمام رفتارهای ما در زمینه‌ای از حلم و بردباری صورت پذیرد، قطعاً آن رفتارها همراه با آسودگی روان و به دور از خشم و عصبانیت خواهد بود. در چنین زمینه‌ای، رفتارها همراه با عقل‌ورزی خواهد بود و آرامش خاطر و امنیت پس از این گونه رفتارها، باعث رضایت روحی افراد خواهد بود.

۳-۱-۱. روش اول: توصیه به سعه‌ی صدر

از جمله روش‌های نیل به اصل حلم و بردباری، سعه‌ی صدر یا گشادگی سینه است. داشتن سعه‌ی صدر یکی از مواردی است که امام علی^(ع)، درباره‌ی مردم، به کارگزاران توصیه کرده‌اند. ایشان در این باره به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، خواسته یا ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشی و بر آنان آسان‌گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۶۵). در ادامه‌ی همین نامه، درباره‌ی انتخاب قاضی می‌فرماید: «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه‌ی

فراوان، آنان را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد» (همان، نامه ۵۳، ص ۶۵). امام اول شیعیان در توصیف مؤمنان می‌فرماید: یکی از ویژگی‌های مؤمن این است که «سینه‌اش از هر چیز گشاده‌تر است»، اشاره به اینکه حوادث گوناگون زندگی او را تکان نمی‌دهد. با همه‌ی افراد اعم از دوست و دشمن با سینه‌ی گشاده روبه‌رو می‌شود. با افرادی که به او ستم روا می‌دارند و دوستانی که او را در تنگناها محروم و تنها می‌گذارند، محبت می‌ورزد و بدی را با خوبی پاسخ می‌گوید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۶۷۶).

بنابراین توصیه به سعه‌ی صدر، به‌عنوان روشی برای تحقق اصل حلم و بردباری، قابل‌استفاده است و امکان همزیستی عاطفی میان افراد یا گروه‌های مختلف را فراهم خواهد کرد.

۲-۳-۳. روش دوم: کظم غیظ یا کنترل خشم

روش دیگری که برای تحقق بردباری در نهج‌البلاغه به آن توجه شده، کظم غیظ است؛ یعنی فروبردن خشم یا به‌عبارت دیگر، عکس‌العمل سریع نشان ندادن. وقتی در راه رسیدن به هدف، مانعی به‌وجود آید و یا زمانی که جسم یا شخصیت ما تهدید شود، خشم یکی از واکنش‌های معمول است. یکی از وظایف مربی در قبال متربی‌ان این است که آنان را در نحوه‌ی استفاده و هدایت خشم آموزش دهد و آنان را در این راه یاری کند.

کظم در لغت به معنی بستن سر مشکی است که از آب پر شده باشد و در معنای کنایی، درباره‌ی کسانی به‌کار می‌رود که از خشم و غضب پر می‌شوند و از اعمال خودداری می‌کنند. غیظ به معنی شدت غضب و حالت برافروختگی و هیجان فوق‌العاده‌ی روحی است که پس از مشاهده‌ی ناملازمات به انسان دست می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۷).

حضرت علی^(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست و تندی زبانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتاب‌زدگی و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرونشیند و اختیار نفس در دست تو باشد» (همان، نامه‌ی ۵۳، ص ۵۹۱). نیز به حارث همدانی می‌فرماید: «از غضب بپرهیز؛ زیرا خشم و عصبانیت، سپاهی بزرگ از سپاهیان ابلیس است» (همان، نامه ۶۹، ص ۶۱۳).

در سیره‌ی امام علی^(ع)، خشونت به هیچ وجه جایگاهی ندارد. امام علی^(ع) در این باره به یکی از فرماندهان سپاه خود به نام شریح‌بن‌هانی می‌فرماید: «... و به هنگام خشم، بر نفس خویش، شکننده و حاکم باش» (همان، نامه ۵۶، ص ۵۹۵). همچنین ایشان در نامه‌ای به عبدالله‌بن‌عباس، فرماندار بصره، می‌فرماید: «با مردم به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده‌رو باش و از خشم بپرهیز که سبک مغزی، به تحریک شیطان است...» (همان، نامه ۷۶، ص ۶۱۹).

۴-۳. اصل چهارم: خوش‌بینی یا حسن ظن

مطابق این اصل، باید کاری کرد که اندیشه‌ی بدبینی در فرد به‌وجود نیاید و اگر به‌وجود آمده است، آن را از بین برد تا اندیشه و فکر او نسبت به دیگران اصلاح شود. امام علی^(ع) در این باره سخنان بسیاری

فرموده‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: «خوش‌گمانی، اندوه را سبک و از پیروی گناه برهانند» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۳۹۲). «چون کسی به تو گمان نیک برد، خوش‌بینی او را تصدیق کن» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۸، ص ۶۸۱). امام علی^(ع) راه مبارزه با سوء ظن را در این گفتار حکیمانه نشان داده است و آن این است که انسان تمام احتمالات را درباره‌ی سخن یا عملی که از دیگری سر می‌زند، مورد توجه قرار می‌دهد و آن‌چه مناسب حسن ظن است برگزیند و احتمالات سوء را از فکر خود دور سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۸۶۰). بدیهی است این کار سبب می‌شود علقه و محبت و دوستی و مودت در میان افراد جامعه بیشتر و از پراکندگی و سلب اعتماد جلوگیری شود و در نتیجه، زمینه‌های همکاری که بر پایه‌ی اعتماد قرار دارد، بیشتر گردد و برکات بسیاری برای فرد و جامعه داشته باشد. البته نکته‌ی قابل‌توجه در استفاده از اصل خوش‌بینی، این است که این حسن ظن باید به دوستان و مؤمنان وجود داشته باشد، وگرنه نسبت به کسانی که شیطان صفتی و فریبندگی آنان، محرز و مشخص است، باید همواره با بدبینی با آنان رفتار کرد.

۱-۴-۳. روش اول: اقدام به عمل

بسیاری از امور وجود دارند که برای انسان، شروع آن‌ها سخت‌تر از انجام آن اعمال است. به عبارت دیگر، بیشتر از آنکه عمل، سخت باشد، شروع آن مشکل است. امام علی^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «هنگامی که از چیزی می‌ترسی، خود را در آن بیفکن؛ زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن، سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۵، ص ۶۷۷)؛ بنابراین، یکی از روش‌هایی که می‌تواند منجر به خوش‌بینی و حسن ظن شود، اقدام به عمل است. طبیعی است زمانی فرد می‌تواند راحت‌تر نسبت به یک عمل اقدامی انجام دهد که نسبت به حصول نتیجه خوش‌بین باشد. در این گونه موارد، بدبینی مانع از انجام دادن کار می‌شود.

۲-۴-۳. روش دوم: توصیه به صداقت در گفتار

این روش بیانگر آن است که انسان‌های مؤمن، باید در گفتار خود صداقت و راست‌گویی داشته باشند. امام علی^(ع) درباره‌ی صداقت در گفتار و کردار می‌فرماید: «راست‌گو، در راه نجات و بزرگواری است؛ اما دروغ‌گو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است» (همان، خطبه ۸۶، ص ۱۴۵). در مورد دیگری می‌فرماید: «راست‌گو، عزیز و گرامی است» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۳۷). از بیانات فوق درباره‌ی صداقت و راست‌گویی، چنین استنباط می‌شود که انسان به کمک صداقت در گفتار، به خیر دنیا و آخرت، جلب محبت، عزت و گرامی شدن و کمال و نجات خواهد رسید.

همان‌طور که از قرار گرفتن این روش در ذیل اصل خوش‌بینی نیز می‌توان دریافت، یکی از روش‌های دست‌یابی به خوش‌بینی و حسن نیت نسبت به دیگران، وجود صداقت در گفتار و کردار است. در صورتی که فردی در تعامل با دیگران، همواره صداقت و راست‌گویی را در پیش بگیرد، تکرار این رفتار منجر به خوش‌بینی مخاطبان وی به آن فرد می‌شود.

۵-۳. اصل پنجم: فضل

اصل فضل یکی از اصول مهم تربیت عاطفی است. فضل رابطه‌ای مبتنی بر عدم موازنه است؛ عدم موازنه‌ای فراتر از عدل. اصل فضل حاکی از آن است که در رابطه‌ی تربیتی، باید عدم موازنه را الگو قرارداد. خداوند خود در مقام تربیت انسان، با او بسیار با فضل رفتار می‌کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است. در قرآن آمده است: و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت، شامل حال شما نبود، به سبب آن چه مرتکب شدید (سرگرم شدن به سخنان نفاق‌انگیز) عذاب سختی به شما می‌رسید (نور، ۱۴).^۱ نمونه‌ی این رفتار همراه با فضل را، در مواجهه‌ی خداوند با حضرت آدم می‌توان دید. خداوند متعال گناه‌کاری آدم را، با اخراج از بهشت کیفر داد و از باب رحمت و فضل، توبه‌اش را پذیرفت؛ او را به زمین فرو فرستاد و ذریه‌ی او را، به انتخابشان به رسالت و نبوت، گرامی داشت (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ص ۴۷۱). امام علی^(ع) نیز در این باره می‌فرماید: «عدالتش همه را در برگرفته و با کوتاهی کردن مخلوقات در ستایش او، باز فضل و کرمش تداوم یافته است» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۹۱، ص ۱۵۵).

۳-۵-۱. روش اول: توصیه به عفو و گذشت

روش عفو و گذشت، یکی از روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن، برخورد همراه با فضل را به متربیان آموخت. یکی از شیوه‌های پسندیده که در تقویت عواطف انسانی نقش بنیادی دارد، شیوه‌ی عفو و بخشش است. بخشش رویارویی منطقی با تألم ناشی از جراحت روحی و بازسازی احساس‌ها و باورهای شخصی است. پیروی از این روش در زندگی، عامل مؤثری در تقویت و پرورش بعد درونی و عاطفی افراد به شمار می‌آید تا جایی که امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۰). همچنین حضرت علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پذیرفتن عذر گناه‌کار، از لوازم بزرگی و خوش‌رفتاری‌هاست» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۵۵۹).

اوج پایبندی حضرت امیر به عفو و گذشت را هنگامی می‌بینیم که ایشان درباره‌ی قاتلش ابن‌ملجم، نخست اجرای عدالت را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: شما با حق قصاصی که دارید، می‌توانید این جنایت‌کار را بکشید و می‌توانید او را عفو کنید. او را عفو کنید. آیا نمی‌خواهید خداوند پاداشی برای عفو شما بدهد؟ با یک نظر بالاتر می‌توان گفت، خود استمداد از ارفاق و احسان و نیکوکاری، عدالت برین و فوق حقوق است که خداوند متعال، با حکمت متعالی خود، به آن امر کرده است (جعفری تریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶). بنابراین می‌توان گفت سخت‌گیری نکردن در برابر رفتارهای متربیان و بخشش لغزش‌های آنان، از جمله عواملی است که در پرورش فضل و کرامت و شخصیت عاطفی مطلوب متربیان مؤثر است؛ زیرا در واقع، آنان در مقابل رفتار نادرست طرف مقابل، رفتاری کریمانه را از خود بروز می‌دهند.

۳-۵-۲. روش دوم: احسان و نیکوکاری

امام علی^(ع) در موارد بسیاری به احسان و نیکوکاری توصیه فرموده‌اند. ایشان در قسمتی از نامه‌ی ۳۱ خطاب به امام حسن^(ع) می‌فرماید: «نیکی کن، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند» (نهج‌البلاغه، نامه

۱- وَ كَولَا فَضْلَ اللّٰهِ وَ رَحْمَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَمَسْكُكُمْ فِيمَا أَقْضَيْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۳۱، ص ۵۲۷). همچنین آن بزرگوار در بخشی از نامه‌ای که به مالک اشتر، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید، نوشتند: «بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۱). حتی ایشان درباره‌ی کسانی که نسبت به انسان بدی کرده‌اند، دستور به نیکی می‌دهند و می‌فرمایند: «با کسی که به تو بدی کند، نیکی کن و از آن کس که به تو ستم راند، بگذر» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲). بنابراین یکی از ویژگی‌هایی که از کرامت و بزرگواری انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، احسان و نیکی کردن است. با احسان، کرامت و فضل انسانی هویدا می‌شود و کرامت انسانی او را به احسان و نیکی به هموعان خود امر می‌کند. همچنین، نکته‌ای که در این روش، خوب است به متریان آموخته شود، این است که احسان و نیکوکاری زمانی ارزشمند است که بدون چشم‌داشت باشد. در این صورت، نفس نیکوکاری برای افراد، لذت‌بخش خواهد بود.

۳-۵-۳. روش سوم: ترجیح دادن دیگران بر خود

در این روش، با توجه به اینکه خود شخص نیازمند است؛ اما خود را در سختی قرار می‌دهد تا دیگران در آسایش باشند. پس می‌توان این روش را نیز راهی برای دستیابی به اصل فضل دانست. حضرت علی^(ع)، در جواب سؤال همّام که از ایشان صفات پرهیزگاران را درخواست کرده بود، می‌فرماید: «... نَفْسِ او از دستش در زحمت؛ ولی مردم در آسایش‌اند. برای قیامت، خود را به زحمت می‌افکند؛ ولی مردم را به رفاه و آسایش می‌رساند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۷). علامه جعفری در شرح نهج‌البلاغه در این باره می‌نویسد: «ما از علی بن ابی‌طالب صحبت می‌کنیم و از آن مردمی که در زمامداری او زندگی می‌کردند، می‌پرسیم: ای مردم، آیا علی بن ابی‌طالب مردی خودخواه است؟ نه هرگز؛ زیرا گذشت او از لذایذ دنیا و فداکاری‌های او در راه سعادت انسان‌ها، روشن‌تر از آن است که نیازی به گفتگو داشته باشد» (جعفری تهریزی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰).

با این روش، متریان ایثار و فداکاری را در عرصه‌های مختلف خواهند آموخت و از لذت معنوی این فضیلت اخلاقی بهره‌مند خواهند شد. چنین فردی در برهه‌های مختلف زندگی می‌تواند با ترویج روحیه‌ی فداکاری، موجبات خرسندی خود و دیگران را فراهم کند.

۳-۶-۳. اصل ششم: حُسن خُلُق

مطابق این اصل، باید خلق‌و‌خوی انسان، نیکو باشد تا در راه رسیدن به هدف، موفق و باعث به‌وجود آمدن انس و الفت میان انسان‌های دیگر شود. چنان‌که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «به سبب رحمت خداست که تو با آنان، این چنین نرم‌خوی و مهربان هستی، اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران، ۱۵۹). حضرت علی^(ع) نیز در موارد متعددی به داشتن حُسن خُلُق و نتایج آن اشاره کرده است. «در اول پرونده‌ی مؤمن، اخلاق خوب قرار دارد» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۷۱، ج ۳۹۱) و یا اینکه ایشان درباره‌ی ارزش قناعت و خوش‌خلقی می‌فرمایند: «آدمی را قناعت برای دولتمندی و خوش‌خلقی را برای فراوانی

نعمت‌ها کافی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۹، ص ۶۷۷).

افراد، با اخلاق نیکو می‌توانند محیطی دلپذیر و آرامش‌بخش را ایجاد کنند. لازم است این اخلاق نیکو در محیط خانواده و سایر گروه‌هایی که افراد عضو آن هستند، وجود داشته باشد. بدیهی است در این صورت، اعضای یک جامعه می‌توانند با سلامت عاطفی و روانی خوبی در کنار یکدیگر زندگی کنند.

۳-۶-۱. روش اول: عمل به وعده

عمل کردن به وعده، نمونه‌ای از خوش‌اخلاقی و اخلاق زیبا است؛ زیرا افراد پس از دیدن این زیبایی اخلاقی، احساس خوبی در برخورد با فرد خوش قول خواهند داشت. عمل به وعده از نشانه‌های مؤمن به خدا و نگاه‌دارنده حرمت و عزت مردم است. امام علی^(ع) در هشدار به مالک اشتر درباره خُلف وعده می‌فرماید: «مبادا آنچه انجام داده‌ای، بزرگ بشماری، یا به مردم وعده‌ای دهی، سپس خُلف وعده نمایی!... خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: دشمنی بزرگ نزد خدا آن است که بگویند و عمل نکنند» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۵). عمل به وعده سبب امنیت عاطفی و روانی طرف مقابل وعده خواهد بود. وقتی کسی در مواجهه با یک فرد خوش‌قول قرار می‌گیرد، دیگر نگران بدهدی و عواقب بدقولی طرف مقابل خود نیست؛ بنابراین، می‌توان گفت خوش‌عهدی باعث امنیت عاطفی می‌شود. پس خوب است مربیان، با این روش، باعث تحقق اصل حسن خلق و خوش اخلاقی در متربیان شوند.

۳-۶-۲. روش دوم: برخورد با چهره‌ای گشاده

این روش بیان‌گر آن است که یکی از راه‌های خُلق نیکو داشتن و برخورد خوب با دیگر افراد جامعه و به‌طور کلی، دسترسی به یکی از واکنش‌های عاطفی پسندیده، داشتن چهره‌ای گشاده و خوش‌رو بودن در برخوردهای اجتماعی است.

امام علی^(ع) در موارد متعددی، به گشاده‌رویی و خوش‌رو بودن اشاره‌هایی کرده‌اند. «خوش‌رویی را دریاب که سررشته‌ی دوستی است» (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۵۰۰). ایشان درباره‌ی ارزش خوش‌رویی می‌فرمایند: «و خوش‌رویی وسیله‌ی دوست‌یابی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶، ص ۶۲۵). امام علی^(ع) در کلامی، به صفات مؤمنان اشاره می‌فرماید. یکی از این صفات این است که شخص مؤمن به قدری صابر و شکیباست که غم و اندوه خود را در دل نگه می‌دارد و در چهره‌اش چیزی جز شادی نیست؛ شادی از نعمت‌های خدا و شادی در برابر دوستان و معاشران و همین امر جاذبه‌ی فوق‌العاده‌ای به آنان می‌دهد؛ زیرا همیشه او را شاد و خندان می‌بینند و او هرگز نزد کسی زبان به شکوه نمی‌گشاید و اندوه درون خود را به دوستان و معاشران منتقل نمی‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۶۷۵).

۳-۷-۱. اصل هفتم: خشوع

خشوع احساس خُردی، ذُلّت و فروتنی است که در قلب رخ می‌دهد و بازتاب آن در اندام و جوارح انسان ظاهر می‌شود. امام علی^(ع) در توصیف پرهیزگاران می‌فرماید: «پرهیزگاران در روز، دانشمندان

بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی، آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. کسی که به آنان می‌نگرد، می‌پندارد که بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند و غیره» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۵). همچنین ایشان در توصیف آینده پرهیزگاران می‌فرمایند: «و در آن میان (پرهیزگاران را گروه گروه به سوی بهشت رهنمون می‌شوند)؛ آنان از کیفر و عذاب در امانند و از سرزنش‌ها آسوده و از آتش دورند؛ در خانه‌های امن الهی، از جایگاه خود خشنودند. آنان در دنیا، رفتارشان پاک، دیدگان‌شان گریان، شب‌هایشان با خشوع و استغفار چونان روز و روزشان از ترس گناه، چونان شب می‌ماند. پس خداوند بهشت را منزلگاه نهایی آنان قرار داد و پاداش ایشان را نیکو پرداخت» (همان، خطبه ۱۹۰، ص ۳۷۵). ابن‌میثم بحرانی در شرح خطبه‌ی ۱۰۸ نهج‌البلاغه می‌نویسد: امام علی^(ع) ده چیز را برای خداوند اثبات فرموده‌اند که یکی از آن‌ها این است که کل شیء خاضعٌ له و ادامه می‌دهند که در این‌جا واژه‌ی خضوع، به معنای خشوع است. وی اطمینان و آرامش یافتن به خداوند و فروتنی در برابر او را از جمله آثار عاطفی خشوع در برابر پروردگار می‌داند. ایشان معتقدند: خشوع موجودات (غیر از فرشتگان) عبارت است از منفعل و متأثر بودن از قدرت خداوند و طوق رقیب امکان را به گردن داشتن و همچنین نیازمندی آن‌ها بدوست (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۰).

۳-۷-۱. روش اول: تذکر

روش تربیتی تذکر بیانگر آن است که گاه باید آنچه را فرد به آن علم دارد، برای او بازگفت. «تذکر دو گونه مُر دارد: علم فراموش‌شده را به یاد می‌آورد و علم فراموش نشده اما بی‌خاصیت را زنده می‌کند و می‌انگیزد. به سخن دیگر، تذکر، علومی را که در «سر» مدفون شده‌اند، در «دل» مبعوث می‌کند» (باقری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴). تذکر به معنای یادآوری است؛ زیرا انسان دچار فراموشی و نسیان می‌شود و لازم است که به او تلنگری زده شود تا از غفلت خارج شود.

امام علی^(ع) در نامه‌ای که به معاویه می‌نویسد، به او بعضی موارد را تذکر می‌دهد: «نسبت به آنچه در اختیار داری از خدا بترس! در حقوق الهی که بر تو واجب است اندیشه کن و به شناخت چیزی همت کن که در ناآگاهی آن معذور نخواهی بود. کسی که از دین سرباز زند، از حق روگردان شده و در وادی حیرت سرگردان خواهد گشت که خدا نعمت خود را از او گرفته و بلاهایش را بر او نازل می‌کند. معاویه! اینک به خود آی و به خود بپرداز؛ زیرا خداوند راه و سرانجام امور تو را روشن کرده است؛ اما تو هم‌چنان به سوی زیانکاری و جایگاه کفرورزی حرکت می‌کنی» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۰، ص ۵۱۹). ایشان در مورد دیگری و در تأیید ارزش تذکر می‌فرمایند: «آن‌کسی که تو را هشدار داد، مانند کسی است که تو را مژده داد» (همان، حکمت ۵۹، ص ۶۳۷).

بنابراین، می‌توان گفت پس از تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی به متربیان، می‌توان انتظار داشت که این افراد، نسبت به پروردگار خود، حالت خشوع و فروتنی داشته باشند؛ زیرا در مقابل نعمت‌ها و مخلوقات فراوان و عظیم پروردگار، خود را بسیار ناچیز خواهند دید و در مقابل این عظمت، قلب آنان

سرشار از خشوع خواهد شد.

۲-۷-۳. روش دوم: گریستن از خوف الهی

امام علی^(ع)، پس از جنگ نهروان، در نکوهش لشکریان خود که برای نبرد نهایی با معاویه سستی می‌ورزیدند، به وصف اصحاب پیامبر پرداختند و فرمودند: «من اصحاب محمد^(ص) را دیدم؛ اما هیچ کدام از شما را همانند آنان نمی‌بینم. آنان صبح می‌کردند، در حالی که موهای ژولیده و چهره‌های غبار آلوده داشتند، شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذراندند و ... اگر نام خدا برده می‌شد، چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنان تر می‌شد و چون درخت، در روز تندباد، می‌لرزیدند از کیفی که از آن بیم داشتند یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند» (همان، خطبه ۹۷، ص ۱۸۳).
بنابراین، یکی از روش‌هایی که به کمک آن می‌توان به اصل خشوع در برابر خداوند رسید، گریه از خوف خداوند است. قطعاً غرور و خودبزرگ‌بینی در برابر پروردگار اجازه نخواهد داد که قلب انسان در برابر معبودش، رقیق و خاشع شده و او را از سرکشی بازدارد. این است که می‌توان این روش را عاملی برای نهادینه کردن اصل خشوع در برابر پروردگار در متربیان دانست.

۳-۷-۳. روش سوم: تواضع

این روش بیان‌گر آن است که انسان باید، در برخورد با انسان‌های دیگر، با آرامش و بی‌تکبر رفتار کند. خشوع یعنی فروتنی در برابر خداوند و تواضع یعنی فروتنی در برابر انسان‌ها؛ بنابراین، با فروتنی در برابر انسان‌هایی که خود را به خدا نزدیک کرده‌اند، می‌توان خشوع در برابر پروردگار را تمرین کرد و از این روش، به تحقق اصل خشوع در متربیان پرداخت.
امام علی^(ع)، در سال ۳۸ هجری و در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید: «... با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره‌ی چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان، یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نشوند» (همان، نامه ۴۶، ص ۵۵۹).
در جایی دیگر، در توصیف سیمای پرهیزگاران می‌فرماید: «اما پرهیزگاران! در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان، میانه‌روی و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است» (همان، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۳). همچنین امام علی^(ع) درباره‌ی اینکه فلسفه‌ی برخی عبادات تواضع است، می‌فرماید: «فلسفه‌ی عبادات، به خاک گذاشتن بهترین اعضاء و جوارح برای تواضع و فروتنی و اظهار خضوع (خشوع) در برابر پروردگار عالم است» (همان، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۱).

۴-۷-۳. روش چهارم: توصیه به خوف و رجاء

یکی دیگر از روش‌های تربیتی حضرت علی^(ع) برای ایجاد خشوع در برابر خداوند، روش توصیه به خوف و رجاء در برابر پروردگار است. چنانچه در حکمت ۹۰ درباره‌ی شناخت عالم آگاه فرموده است: فقیه کامل کسی است که مردم را از آموزش خدا، مأیوس و از مهربانی او، ناامید نکند و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد (همان، حکمت ۹۰، ص ۶۴۳). ایشان همچنین در وصف اصحاب پیامبر^(ص) می‌فرماید: «و چون

درخت در روز تند باد می‌لرزیدند از کيفری که از آن بیم داشتند، یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند» (همان، خطبه‌ی ۹۷، ص ۱۸۳). حضرت امیر در این باره می‌فرماید: «اگر می‌توانید که ترس از خدا را فراوان و خوش‌بینی خود را به خدا نیکو گردانید، چنین کنید، هر دو را جمع کنید؛ زیرا بنده‌ی خدا، خوش‌بینی او به پروردگار باید به اندازه‌ی ترسیدن او باشد و آن‌کس که به خدا خوش‌بین‌تر است، باید بیشتر از دیگران از کيفر الهی بترسد» (همان، نامه‌ی ۲۷، ص ۵۱۱). چنین فردی، با این چنین سرمایه‌ی معنوی، همواره به یاد خدا خواهد بود و از یک‌سو، در برابر مشکلات و سختی‌ها، مقاوم و مستحکم و امیدوار به مدد الهی و از سوی دیگر، به سبب بیم و امید که همواره با اوست، در مقابل خداوند خویش خاشع و فرمان‌بردار خواهد بود.

در خصوص الگوی تربیت عاطفی به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اصول تربیت عاطفی منبعث و نشأت گرفته از دو مبنای انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی هستند و هر اصل نیز در برگرفته‌ی یک یا چند روش است که این روش‌ها منجر به تحقق اصل مربوطه در ساحت تربیت عاطفی می‌شوند.

اصل ابراز محبت شامل روش‌های اعتدال در محبت، صله‌ی رحم و پاداش و تنبیه متناسب با عمل است. روش هم‌نشینی با نیکان و پرهیز از مصاحبت با بدان منجر به اصل اصلاح شرایط می‌شود. اصل حلم و برداری از طریق روش‌های سعه‌ی صدر و کظم غیظ محقق می‌شود. برای دستیابی به اصل خوش‌بینی یا حسن ظن دو روش صداقت در گفتار و اقدام به عمل پیشنهاد شده است. روش عفو و گذشت و روش احسان و نیکوکاری در ارتباط با اصل فضل مطرح شده‌اند. روش‌های معطوف به اصل حسن خلق عبارت‌اند از: عمل به وعده، برخورد با چهره‌ی گشاده و تذکر و نهایتاً اینکه روش‌های تذکر، گریستن از خوف الهی، تواضع و خوف و رجا نیز در دست‌یابی به اصل خشوع قابل طرح هستند.

نتیجه‌گیری

بعد عاطفی یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان است که می‌تواند منشأ بسیاری از رفتارهای فرد باشد. اگرچه تربیت و رشد صحیح عواطف در متربیان، همواره مورد توجه روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بوده؛ آن‌چنان‌که شایسته است به تأثیر آن در تربیت پرداخته نشده است. امام علی^(ع) که خود از بزرگ‌ترین متربیان تاریخ بوده است، این بعد وجودی انسان و ساحت تربیتی را فراموش نکرده و بر اهمیت پرورش آن تأکید داشته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایشان اصول و روش‌های راه‌گشایی را در جهت تربیت بعد عاطفی متربیان ارائه کرده‌اند که می‌تواند چراغ راه برنامه‌ریزان قرار گیرد. اصول و روش‌های استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، شامل هفت اصل و شانزده روش است. هفت اصل مذکور عبارت‌اند از: ابراز محبت، اصلاح شرایط، حلم و بردباری، خوش‌بینی، فضل، حسن خلق، خشوع. برخی از روش‌های تربیت عاطفی استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، نیز عبارت‌اند از: اعتدال در محبت، کظم غیظ، صله‌ی رحم، احسان و نیکوکاری، عفو و گذشت، هم‌نشینی با نیکان و پرهیز از هم‌نشینی با بدان، گریستن از خوف الهی و تواضع. لازم به اشاره است که این اصول و روش‌ها با یکدیگر ارتباط دارند و هر اصل، شامل یک یا چند روش است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن میثم بحرانی، میثم ابن علی؛ شرح نهج البلاغه ابن میثم؛ ترجمه‌ی محمد صادق عارف و همکاران؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- احمدی، محمد رضا؛ «نقش صله‌ی رحم در بهداشت روانی»، معرفت. ۴۶، ۱۳۸۰ ش.
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تعلم و تربیت اسلامی؛ تهران: مدرسه، ۱۳۸۵ ش.
- بهشتی، سعید؛ «روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی^(ع)»، مجموعه مقالات برگزیده شده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی^(ع)، ۱۳۷۹ ش.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ ترجمه‌ی محمد خوانساری؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- جعفری تبریزی، محمد تقی؛ شرح نهج البلاغه؛ تهران: موسسه توین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸ ش.
- حسین‌زاده، علی و قاسمی گورتی، هاجر؛ «تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه^(ع)»، پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی، شماره ۲۲، ۱۳۹۴ ش.
- خوانساری، محمد؛ شرح غررالحکم و درر الکلم؛ با مقدمه و تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ساروخانی، باقر؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: دفتر تاریخ و مطالعات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- شریعتمداری، علی؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
- فقیهی، علی نقی و نجفی، حسن؛ «عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۰ ق.
- مرتضوی، سید محمد؛ اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام؛ تهران: امام محمد باقر^(ع)، ۱۳۷۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- _____؛ پیام امام امیرالمؤمنین^(ع) شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛ قم: امام علی بن ابی‌طالب^(ع)، ۱۳۹۰ ش.
- نجفی، محمد؛ متقی، زهره و نصرتی هشی، کمال؛ «سازمان‌دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۹، ۱۳۹۴ ش.
- هاشمی‌نسب، فریبا و علوی، سید حمید رضا؛ «ویژگی‌های انسان تربیت یافته (فرهیخته) در بعد عاطفی از منظر قرآن کریم»، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۹، ۱۳۹۳ ش.
- سی، شورت؛ روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی؛ ترجمه‌ی محمود مهرمحمدی؛ تهران: سمت، ۱۳۹۲ ش.

- Stone, P. The General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis. Cambridge: Viking, 1996.

